

## مضامین صلح نامه های مسلمانان صدر اسلام با اهالی شام

لیلا تقوی سنگدهی \*

آذر بدرلو \*\*

### چکیده

مسلمانان صدر اسلام، در فتح سرزمین‌ها از جمله شامات، صلح‌نامه‌های بسیاری منعقد کرده‌اند. واقعیت‌های سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و اخلاقی طرفین در این صلح‌نامه‌ها بر ما پنهان است و به صورت مستقل، کم‌تر به مضامین آن‌ها، پرداخته شده است. نوشتار حاضر، در پی یافتن پاسخ به این سؤال است: صلح‌نامه‌های منعقد شده بین مسلمانان و اهالی شام، چه مضامین و محتوایی داشته‌اند؟ (سؤال) این صلح‌نامه‌ها برحسب اوضاع زمان و مکان، مضامین اقتصادی، اجتماعی و دینی مشترک و نیز متفاوت داشتند. (فرضیه) نشان دادن گسترش اسلام با صلح بیش‌تر و جنگ کم‌تر، هنوز هم در دفاع از اسلام ضرورت دارد. (هدف) دست‌یابی به چنین هدفی، با مطالعه تاریخی، توصیفی و تحلیلی منابع دست اول گذشته میسر است. (روش) صلح‌نامه‌ها دارای تساهل و تسامح مذهبی با غیرمسلمانان و مضامینی بودند؛ از جمله: امنیت فردی و اجتماعی دو طرف قرارداد، تأمین امنیت کلیساهای، آزادی مذهبی، هم‌زیستی دو طرف صلح‌نامه و در برخی موارد اجبار غیر مسلمانان به ترک شهر، اقدام آنان به جاسوسی به نفع مسلمانان و هم‌کاری با مسلمانان در قبال نپرداختن جزیه و توجه به امنیت والی جدید. (یافته)

### واژگان کلیدی

شام، فتوحات، صلح‌نامه، دوره ابوبکر، دوره عمر.

\* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول) - sangdehi@yahoo.com  
\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان - azarbadrloo@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۹/۱۳

## مقدمه

منطقه شام در گذشته شامل سوریه، لبنان، اردن و فلسطین بود. این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک خود که از سویی به کناره مدیترانه می‌رسید و از طرفی به کنار رود فرات و از سوی دیگر به شمال حجاز ختم می‌شد، همواره مورد توجه کشورگشایان بوده است؛ از این رو، چندین سده در تصرف دولت‌های خارجی قرار داشت. سرزمین شام در زمان ظهور اسلام، جزء قلمرو امپراتور بیزانس بود. پیامبر اکرم (ص) در پی دعوت و گسترش اسلام به این منطقه توجه کردند و گروهی را به آنجا اعزام نمودند. در زمان جانشینان پیامبر با توجه به اهمیت این منطقه و در ادامه سیره پیامبر مبنی بر گسترش اسلام، به این منطقه بار دیگر توجه شد و البته، هدف نهایی، فتح کامل آن بود. در دوره ابوبکر برخی از مناطق شام فتح شد، اما در گذشت او در سال سیزدهم، سبب گشت که فتح اکثر مناطق شام به ویژه شهرهای مهم آن در دوره عمر صورت بگیرد. شهرهای شام در برابر فاتحان مسلمان، دو سیاست متفاوت در پیش گرفتند: برخی مقاومت کردند و با جنگ فتح گشتند که اصطلاحاً به آنان مفتوح‌العنوه گویند. تعداد بسیاری از در صلح با مسلمانان درآمدند و به انعقاد صلح‌نامه با مسلمانان پرداختند. این پژوهش در صدد تبیین واکاوی مفاد صلح‌نامه‌هاست.

## گذری بر اوضاع شام در آغاز فتوحات

سرزمین شام هنگام توجه مسلمانان به آن، در قلمرو امپراتوری بیزانس بود که در آن زمان اوضاع و احوال مساعدی نداشت؛ زیرا از یک طرف میان اهالی این منطقه و امپراتور اختلافات مذهبی وجود داشت و تا حدودی قدرت و رفاه کشورهای این ناحیه مدیترانه بر اثر جنگ‌ها رو به زوال رفته و کشاورزی، صنعت و تجارت راکد شده بود. از طرفی دیگر، تا حدودی بر اثر شیوع طاعون (حورانی، ۱۳۸۴: ۴۷) و جنگ‌های طولانی با دولت ساسانیان، ضعف و ناتوانی بر امپراتوری بیزانس چیره شده بود (زیدان، ۱۳۸۴: ۲۷). در چنین اوضاعی، مسلمانان به سوی شام لشکر کشیدند. این لشکر از اعراب بادیه‌نشین و صحرائی نبودند، بلکه یک ارتش سازمان‌یافته به شمار می‌آمدند که عده‌ای از فرماندهان آن مهارت و فنون جنگی را از جنگ‌هایی به دست آورده بودند که بعد از رحلت پیامبر (ص) رخ داده بود و به علت اعتقاد به دین مبین اسلام، تلاش در جهت اشاعه آن و شمشیر زدن در راه آن، بین آنان اتحاد وجود داشت. علاوه بر آن، تعدادی معدود از آنان نیز به فکر فتح

سرزمین‌های جدید و کسب ثروت و غنیمت بودند (آرنولد، ۱۳۸۵: ۳۵). شام در اواخر دوران رومیان، شامل قُدُس، طبریه، دِمَشق، حمص و حَلَب بود، اما در اوایل دوران اسلامی، به پنج بخش فِلَسطین، اُردن، دِمَشق، حمص و قَسْرین تقسیم گردید که هر یک از این مناطق شهرهایی را شامل می‌شدند (الخوری، ۱۹۴۰: ۱۴).

### صلح‌نامه‌های دوره پیامبر (ص)

در اواخر عمر شریف پیامبر (ص) به منطقه شام توجه شد. آن حضرت در سال نهم هجرت، برای نبرد با سپاه روم به سوی تبوک رفتند و هنگامی که به آن‌جا رسیدند، قبایل اطراف تبوک از ایله، جرباء، اذرح و مقنا، نزد پیامبر (ص) آمدند و جزیه پرداختند و قرارداد صلح با آن حضرت بستند. البته پیامبر (ص) برای هر یک از آن‌ها قراردادی جداگانه نوشتند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۳۱). مفاد صلح‌نامه پیامبر (ص) با یحنه بن روبه و اهالی ایله بدین شرح بود که آنان سیصد دینار جزیه دهند تا در مقابل، کشتی‌ها و کاروان‌های آنان در دریا و صحراء در امان باشد. ضمناً در راه دریا و خشکی نباید کسی مانع آنان و همراهانشان شود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۲۱). پیامبر (ص) با اهالی جرباء و اذرح، بدین شروط صلح کردند تا در قبال در امان بودنشان، سالانه یک صد دینار در ماه رجب بپردازند و نسبت به مسلمانان خیرخواهی و نیکی کنند و اگر مسلمانان به واسطه ترس به آن‌ها پناهنده شدند، آن‌ها را پناه دهند و در امان باشند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۰۳۳). آن حضرت با اهل مقنا نیز به شرط پرداخت یک‌چهارم محصول میوه و یک‌چهارم پارچه‌های بافته شده صلح کردند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۰۳۳؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۴۱).

پیامبر (ص) در زمان حیاتشان با تعلیمات، اعمال و احکام خود، نشان دادند که اسلام دینی جهانی است. لذا در این جهت، سران و رهبران سرزمین‌های دیگر را به اسلام دعوت نمودند، اما اجبار در پذیرش دین را قبول نداشتند و به اشاعه اسلام از طریق دعوت و صلح، معتقد بودند. لذا وقتی اهالی شهری از ایشان تقاضای صلح می‌نمودند، می‌پذیرفتند و بر جنگ و کشتار ترجیح می‌دادند و از همین راه، امنیت جانی و مالی طرفین را برقرار می‌کردند. مضمون صلح‌نامه پیامبر (ص) با اهالی تبوک این نکته را تأیید می‌کند. نکته قابل توجه در این صلح‌نامه‌ها، پرداخت جزیه به صورت نقدی است تا بدین وسیله بتوانند بخشی از نیازهای مالی حکومت تازه تأسیس را برآورده سازند. هم‌چنین پیامبر (ص) با این صلح‌نامه‌ها، در واقع امنیت مسلمانانی را تأمین می‌کردند که به آن‌جا رفت و

آمد می نمودند.

پیامبر(ص) ضمناً در سال نهم خالد بن ولید را نزد اکیدر بن عبد الملک فرماندار دومه الجندل فرستاند. خالد، اکیدر را اسیر کرد و نزد پیامبر (ص) آورد و با او و اهالی دومه الجندل طبق شروطی صلح کردند؛ از جمله این که نماز را به پا دارند، زکات بپردازند و سرزمین‌هایی که دارای آب اندک، بایر و ناشناخته است، به همراه اسلحه، اسب، حصارها و نخلستان‌ها، به پیامبر (ص) واگذار کنند و در مقابل، آب‌های گوارا و روان در مناطق آباد و نخلستان‌های داخل قلعه برای خودشان باقی بماند. نیز تا زمانی که خمس و زکات می‌پردازند، دام‌هایشان از چرا بازداشته نشود و از کشاورزی نیز منع نگردند و فقط یک دهم از محصول خرماي نخلستان‌های کهن از آن‌ها گرفته شود(ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۳۳). مضمون این صلح‌نامه توجه پیامبر (ص) به اصول دین اسلام از جمله نماز، خمس و زکات را در یک منطقه مسیحی نشین نشان می‌دهد و این که پیامبر (ص) هرگز در صلح با غیرمسلمانان، شروط سختی برای آنان قرار نمی‌دادند و می‌کوشیدند امنیت جانی و اقتصادی طرف مقابل نیز حفظ شود. آن حضرت با این اقدامات، آغازگر توسعه معنوی و نشر اسلام در منطقه شام گشتند.

### صلح‌نامه‌های دوره ابوبکر

بعد از رحلت پیامبر (ص)، ابوبکر روی کار آمد. او پس از جنگ‌های رده و رفع مشکلات داخلی، به یک رشته عملیات نظامی در عراق و شام دست زد. او بعد از پیروزی در این مناطق، در صدد تسخیر شام برآمد. ابوبکر سپاهیان خود را در چهار دسته به سوی شام فرستاد(طبری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۵۲۷) و از خالد بن ولید که در عراق بود، خواست تا برای کمک به مسلمانان به سوی شام برود. خالد بعد از طی مسافتی به شهر مهم تدمر رفت و اهالی آن‌جا را محاصره نمود، ولی آنان درخواست صلح کردند. خالد با این شروط صلح نمود که آنان جزء اهل ذمه و مطیع مسلمانان باشند،(بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۶۲) تدمریان از قبایل عرب بودند و در نیمه دوم سده سوم میلادی به مسیحیت گرویدند و امپراتوران با آنان سخت‌گیری‌های شدیدی می‌کردند(صدری‌نیا، ۱۳۸۰: ۲۲). بنابراین، در مقابل مسلمانان چندان مقاومت از خود نشان ندادند و سلطه مسلمانان را بر رومیان ترجیح دادند و جزء اهل ذمه شدند. چون مسلمانان مقاومت در این نواحی را بسیار ضعیف یافتند، به پیش‌روی خود ادامه دادند و به بصری رفتند و شهر را در محاصره گرفتند و با والی روم

جنگیدند. او و بزرگان اصحابش با مسلمانان صلح کردند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۶۴-۲۲۱). آنان پذیرفتند که در مقابل امان گرفتن بر جان و مال و اولادشان، جزیه بپردازند که گندم، روغن و سرکه را شامل می‌شد. هم‌چنین نکته تازه‌ای در این صلح‌نامه دیده می‌شود و آن موضوع خراج بر زمین است (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۵۶۱). پرداخت جزیه برای اکثر این شهرها کار سنگینی نبود، به همین سبب در مقابل مسلمانان زیاد مقاومت نمی‌کردند و درخواست صلح می‌نمودند. مسلمانان هم پیش‌تر اوقات نوع جزیه را با توجه به احتیاجات خود انتخاب می‌کردند. در صلح با مردم بصری، چون مسلمانان برای ادامه فتوحات خود به آذوقه نیاز داشتند، نوع جزیه را مواد غذایی تعیین کردند. به علت روابط صلح‌آمیز و دوستانه بین مسلمانان و اهالی شهرهای فتح شده شهرهای مآب، عمان و اذرعات به آسانی گشوده شدند و آنان نیز به جرگه جزیه و خراج‌دهندگان پیوستند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۸۳). مضامین صلح‌نامه‌های دوره ابوبکر، موجب شد تا مسلمانان آمادگی ادامه فتوحات را به دست آورند. بعد از این فتوحات، مسلمانان به نبرد رومیان در یرموک رفتند و در حین جنگ، پیکی از مدینه، خبر مرگ ابوبکر را برای مسلمانان آورد. تاریخ جنگ یرموک را به اختلاف سال‌های ۱۳ و ۱۵ هجری ذکر کرده‌اند.

### صلح‌نامه‌های دوره عمر

در دوره عمر صلح‌نامه‌های زیادی منعقد گردید؛ از جمله:

#### الف) صلح دمشق و شهرهای آن

بعد از وفات ابوبکر، عمر خلیفه مسلمانان شد. وی بعد از روی کار آمدن، فتوحات در بخش شام را پی گرفت که با درگذشت ابوبکر ناتمام مانده بود. مسلمانان هنگام وفات ابوبکر، دِمَشْق را محاصره کردند، در عین حال بخشی از سپاه مسلمانان نیز به سوی منطقه فحل و اردن رفته بودند (ابراهیم حسن، ۱۳۷۱: ۲۵۸). مسلمانان از چهار دروازه، دِمَشْق را محاصره کردند و توانستند بعد از محاصره، حدود یک سال اهالی آن‌جا را به درخواست صلح وادار کنند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۵۸۳). صلح مسلمانان با اهالی دِمَشْق، در ماه رجب سال چهاردهم هجری انجام گرفت. این صلح‌نامه نیز متضمن شروطی بود؛ از جمله این که جان‌ها، اموال و کلیساهای دِمَشْق در امان باشد، باروی شهر خراب نشود و فاتحان در خانه‌های مردم دِمَشْق سکونت نکنند. در مقابل، هر فرد باید دیناری و جریبی گندم، سرکه و روغن برای قوت مسلمانان به عنوان جزیه ادا کند و صد هزار درهم به

عنوان «مال المصالحه» بدهد(ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۸۴؛ طبری، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۵۸۳). در پایان جنگ و زمان قرارداد صلح، دینار سرانه<sup>۱</sup> و اموال غارتی را تقسیم کردند و اموال شاهان و تابعان آن به صورت غنیمت درآمد (زیدان، ۱۳۸۴: ۷۳۵).

سه نکته در صلح مردم دِمَشَق و مسلمانان جالب توجه است: یکی آن که در این صلح موضوع حفظ کلیساها مطرح شد؛ دوم این که مردم خواستار اسکان فاتحان در مناطقی مجزا شدند. سوم، از موارد خوراکی مورد نیاز فاتحان جزیه گرفته شد. در مورد این صلح باید گفت که مواردی چون طولانی شدن محاصره، عدم کمک‌رسانی هرقل پادشاه روم به محاصره‌شوندگان، درخواست اسقف دروازه شرقی از خالد بن ولید مبنی بر صلح، و درخواست مردم دروازه شرقی از مردم دیگر دروازه‌ها برای در امان ماندن، از عللی بود که به درخواست صلح انجامید. معمولاً مسلمانان برای جلب رضایت مناطق سرسخت، امتیازهای خوبی در پیمان‌نامه به اشراف محلی، پیشنهاد می‌کردند. لذا در این صلح‌نامه علاوه بر جان، امان مال افراد نیز امان داده می‌شد، اماکن مذهبی آنان نیز باقی می‌ماند و هیچ‌گونه خراجی بر زمین‌هایشان تعلق نگرفت و مکان مشترکی را برای عبادت در نظر می‌گرفتند که این تساهل مسلمانان را نشان می‌دهد(الریحاوی، ۱۹۶۸: ۱۰). مضامین مورد توجه در صلح‌نامه شهر دِمَشَق، دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و دینی بود. این مضامین به حفظ دین مسیحیت و باقی ماندن شهر در نمای قبلی خود کمک کرد.

پس از این که ابوعبیده از کار شهر دِمَشَق فراغت یافت، یزید از سوی ابوعبیده در دِمَشَق ماند و خود به سوی حمص رفت و در راه رفتن، از بعلبک گذشت و اهالی آن طلب امان و صلح کردند. ابوعبیده با آنان بر این قرار که جان‌ها و اموال و کلیساهایشان در امان باشد، صلح کرد و عهدنامه‌ای با این مضمون با آنان منعقد کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم. این امان‌نامه‌ای است برای فلان بن فلان و اهل بعلبک از رومی، پارسی و عرب که جان‌ها، اموال، کلیساهایشان و آسیاب‌هایشان در درون شهر و خارج آن در امان باشد و رومیان می‌توانند چارپایان خود را تا فاصله پانزده میل به چرا ببرند، بی‌آن که در قریه آبادی وارد شوند. چون ماه ربیع و جمادی‌الاولی سپری شود، به هر جا که خواهند می‌توانند بروند. از ایشان هر که اسلام آورد هر چه برای ماست، برای او نیز خواهد بود و آن چه بر عهده ماست بر عهده او هم مقرر

۱. دیناری که در پایان سال به حکومت پرداخت می‌شده است.

است. بازرگانان ایشان به هر یک از بلادی که با ما صلح کرده‌اند، می‌توانند سفر کنند. هر یک از آنان که اقامت کنند، باید جزیه و خراج بپردازند. (زیدان، ۱۳۸۴: ۷۳۵؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۸۸)

در این صلح، همزیستی بین اعراب، پارسیان و رومیان در یک جا مشاهده می‌شود. ابوعبیده با نوشتن این صلح‌نامه، بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز تاکید کرد. هم‌چنین آزادی عمل در این صلح‌نامه وجود دارد. ضمناً به حفظ اماکن مذهبی و اقتصاد محلی نیز در این صلح‌نامه توجه شده است.

### ب) صلح اردن و شهرهای آن

بعد از تمام شدن کار فتح دِمَشْق و شهرهای اطراف آن، مسلمانان در فحل اردن با رومیان جنگ سختی کردند. بعد از این که میناس فرمانده روم و سپاهیان همراه وی کشته شدند (الخویلد، بی تا: ۱۰۲) اهل فحل، حصار گرفتند و مسلمانان اهل فحل را محاصره کردند تا آن که امان خواستند، بر این قرار که جزیه سرانه<sup>۱</sup> و خراج از زمین‌های خود بپردازند. مسلمانان نیز آنان را بر جان و مال، امان دادند و پذیرفتند که دیوارهای آنان را خراب نکنند. عقد این امان را ابوعبیده جراح و به قولی، شرحبیل بن حسنه بر عهده داشت (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۳؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۶۷).

مضمون صلح، نشان می‌دهد که درخواست صلح اهالی شهر برای رسیدن به آزادی در دین و ایمان، رهایی از اعمال زور و ظلم امپراتوری و جلوگیری از غارت اموال و تصاحب خانه‌هایشان صورت گرفته است (آرنولد، ۱۳۸۵: ۴۲). به دنبال گشوده شدن فحل، شرحبیل به سوی بیسان رفت و چند روز آن جا را محاصره کرد. پس از آن مردم بیسان بیرون آمدند و با مسلمانان جنگ کردند اما همه کسانی که بیرون آمده بودند، از پای درآمدند و باقی‌مانده درخواست صلح کردند که پذیرفته شد و صلح دِمَشْق منعقد گردید (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۵۸۷). چون مردم طبریه خبر فتح شهر بیسان را شنیدند، با ابوالاعور که برای فتح شهر آمده بود، صلحی مانند صلح دِمَشْق انجام دادند که منزل‌های شهر و اطراف را با مسلمانان تقسیم کنند و یک نیمه را به آن‌ها واگذارند و در نیمه دیگر بمانند و هر نفر، یک دینار سالانه بدهد و از هر جریب زمین یک انبان گندم یا جو - البته هر کدام به دست آید- به مسلمانان بدهد و در قبال آن جان، مال، فرزندان، کلیسایها و منازلشان در

۱. جزیه‌ای است که در پایان سال به حکومت پرداخت می‌شد.

امان باشد. هم‌چنین جایگاهی نیز برای آنان در مسجد مسلمانان تعیین شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۸۶).

مردم طبریه در زمان خلافت عمر نقض عهد کردند. ابوعبیده، عمر و بن عاص را به نبرد آنان فرستاد. او نیز طبریه را برای بار دوم به مفاد صلح‌نامه‌ای همانند صلح پیشین طبریه وادار ساخت. بنابه روایتی از یعقوبی، جز طبریه همه شهرهای اردن به زور گشوده‌اند (یعقوبی، ۱۳۴۷ الف: ۷۸).

در مضمون صلح‌نامه شهر طبریه، تساهل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و اهالی شهر، با ایجاد مسجدی برای مسلمانان و تقسیم شهر برای سکونت آنان دیده می‌شود. راجع به شهرهای اردن می‌توان گفت که اهالی آن‌ها، با مشاهده فتح شهر بزرگ و محکمی هم‌چون دِمَشَق، خود را به مقابله با مسلمانان قادر ندانستند؛ لذا درخواست صلح را بهتر از جنگ و فتح به زور شهرهایشان دانستند و تن به صلح دادند. در صلح‌نامه‌های این بخش، مسائلی مانند هم‌زیستی مسلمانان و اهالی شهرها، گرفتن جزیه از مواد غذایی، خراج، حفظ اماکن مذهبی محلی و عدم ویرانی دیده می‌شود.

### ج) صلح حمص و شهرهای آن

ابوعبیده و خالد بعد از اتمام کار فتح دِمَشَق و فحل در سال پانزدهم هجری، به سوی حمص رفتند که در آن زمان دارای شهرهای تمه، رستن، حماه، صوران، سَلْمِیَّة، تَدْمُر، تَلَمَّس، حمص، باره، مَعْرَةَ‌الْنُعْمَان، فامیه، شیزر، کفرطاب، اطمیم و جوسیه و چهار شهر ساحلی لاذقیه، جَبَلَّة، بلنیاس و انطرطوس بود (یعقوبی، ۱۳۴۷ الف: ۱۰۳). مسلمانان چون به حمص رسیدند، اهل شهر ابتدا با آنان جنگیدند و سپس به شهر پناه بردند و امان خواستند. مسلمانان با این قرار صلح کردند که جان، مال، باروی شهر، کلیساها و آسیاب‌هایشان در امان باشد و مکان‌های مسکونی اهل حمص خراب نشود و مردمان بر اوطان خود ساکن باشند و نیز املاک و بناهای رومیان رها شود و در آن‌جا منزل نگیرند و به خودشان واگذار شود. در قبال آن اهل حمص هفتاد هزار دینار نقد بدهند و همانند اهل دِمَشَق، هر مردی یک دینار و غله‌ای که حاصل هر جریب زمین است به طور دایم - چه در گشایش و چه در سختی - بدهد و عاملی را که از مسلمانان به آن‌جا می‌فرستند، مراعات کنند و یک شبانه‌روز، مهمانش دارند و نیز، یک‌چهارم کلیسای یوحنا برای مسجد جدا شود و ساکنان آن دیار، خراج



بپردازند. مسلمانان اداره املاکی را که شاهان قوم واگذاشته بودند، به خود آن‌ها سپردند و بر این قرار، عهدنامه نوشتند و جمعی از صلحا و معارف بر آن خط گذاشتند و اهل حمص علوفه و طعام برای مسلمانان آوردند و دروازه‌های حصار را گشودند و مسلمانان به درون شهر راه یافتند. (ابن‌اعثم کوفی ۱۳۷۲: ۱۱۸؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۳۱؛ حموی، ۱۹۹۵، ج ۲: ۳۰۳)

اطلاعات منابع تاریخی، بیان‌گر این نکته هست که اهالی حمص در پی عواملی هم‌چون وجود زمستان و کمیاب شدن طعام در حصار، فتح شهرهای بزرگی چون مدائن، دِمَشَق و اردن و رفتن هرقل از حمص و ناامیدی از کمک او از مسلمانان درخواست صلح کردند. اهل حمص پرداخت جزیه را پذیرفتند، زیرا با این کار، مسلمانان را به محافظت از جان و مال و اعتقادات خودشان ملزم می‌کردند و از این طریق، می‌توانستند علاوه بر برخوردارگی از آزادی فکری و عقیدتی، از پرداخت مالیات‌های سنگین و ستم پادشاهان روم رها شوند و به عدالت مسلمانان برسند. بنابراین زمانی که امپراتوری بیزانس، لشکری برای مقابله با مسلمانان آماده کرد، فرمانده مسلمانان چون دید امکان دارد نتواند از آنان محافظت کند، دستور داد تا پولی را که از آنان گرفته‌اند، به خودشان بازگردانند. رفتارهای عادلانه و مسالمت‌آمیزی از این دست، برای یهودیان و مسیحیان بسیار خوشایند بود و آن‌ها را از رومیان ناامید ساخت و باعث شد تا مسلمانان را بر رومیان ترجیح دهند. هم‌چنین مضمون جدایی یک‌چهارم کلیسای یوحنا برای مسجد، نشان‌دهنده برخوردارگی مسیحیان از آزادی مذهبی و حق انجام دادن مراسم دینی است.

ابوعبیده سپس عباد بن صامت انصاری را در حمص گذاشت و به سوی حماه رفت و با آنان به شرط جزیه سرانه و خراج اراضی، صلح کرد و با همین مضامین، با شهرهای شیزر، معره‌النعمان و فامیه صلح کرد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۲۶). سپس مسلمانان بعد از محاصره اهالی لاذقیه، با یک هجومی ناگهانی، به زور وارد شهر شدند. در این حال، جمعی از مسیحیان لاذقیه به یسید گریختند، ولی سپس امان خواستند، بر این قرار که به سرزمین خود بازگردند و خراج به مقاطعه<sup>۱</sup> بپردازند - خواه شمارشان کم یا زیاد شود- و کلیسا برای آنان باقی بماند (بالادری، ۱۳۳۷: ۱۹۰؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۲۶). در این

۱. مقاطعه این است که اهل قریه، مبلغ معینی را همه ساله به این عنوان می‌پرداختند که میزان این وجه، بر حسب قرار فیما بین تعیین می‌شد و باید تأدیه می‌گردید، خواه زمین کشت گردد یا عاقل گذارده شود و یا جمعیت کم و زیاد گردد (بالادری، ۱۳۳۷: ۱۱۵).

صلح‌نامه نیز به مسیحیان آزادی دینی داده شد و کلیساهایشان تخریب نگردید.

#### د) صلح قنسرین و شهرهای آن

در سال پانزدهم هجری، مسلمانان بعد از اتمام کار حمص و شهرهای مجاور آن، به فرماندهی ابوعبیده به سوی حلب رفتند و اهالی این شهر نیز همانند شهرهای قبلی بعد از این که حصار گرفتند، امان خواستند و به شرط امان بر جان و مال، باروی شهر، کلیساهای منازل و قلعه‌هایشان، با آنان صلح کردند. در مقابل مسلمانان، مکانی را برای مسجد جدا کردند و خواستار پرداخت سی هزار دینار نقد و قبول جزیه شدند. اهالی شهر بر آن رضایت دادند و ابوعبیده با آنان عهدنامه نوشت. اهل حلب نیز دروازه‌های حصار را بر مسلمانان گشودند (بن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۱۵۰؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸: ۲۹۸).

مضمون صلح‌نامه، نشان می‌دهد که در بیش‌تر مناطق شام، امنیت داشتن جان، مال و کلیسا در میان اهالی شهرها اهمیت زیادی داشت و پرداخت جزیه کار دشواری نبود. با همین مضمون، با شهر معره مصرین مصالحه شد و در پی آن، مسلمانان به سوی شهر حاضری، نزدیک حلب رفتند که طوایف مختلف عرب از تنوخ در آن بودند و با آنان به شرط پرداخت جزیه صلح کردند. بعد از صلح، همه اسلام آوردند و در آن جا اقامت گزیدند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۱۳؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۷۸۰). با توجه به این که ساکنان این منطقه عرب‌تبار و هم‌نژاد فاتحان بودند، از ورود اعراب مسلمان استقبال کردند و خواستار صلح شدند، زیرا از این طریق، رهبران این مردمان علاوه بر آن که به آسانی می‌توانستند اتحاد خود را با دو امپراتوری ایران و روم گسترش دهند، بار دیگر می‌توانستند مشتری‌ها و بازرگانان عرب را که در گذشته از دست داده بودند، به سوی خود جلب کنند (آرنولد، ۱۳۸۵: ۴۸).

با توجه به صلح حلب و حاضری، می‌توان پی برد که رفتار مسالمت‌آمیز مسلمانان، باعث شد تا اعراب ساکن در آن مناطق اسلام آورند و عاملی برای صلح مسیحیان دیر طبایا و دیر الفسیله گردید با این قرار که هر مسلمانی به آن جا می‌رود، پذیرایی شود. با مشاهده این صلح، مسیحیان خناصره نیز برای صلح نزد ابوعبیده آمدند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۱۳). با گشوده شدن شهرهای حلب و حاضری، فتح قنسرین صورت گرفت. بدین صورت که اهالی این شهر، ابتدا خود را در حصارهای شهر قرار دادند. ولی وقتی سرگذشت اهل حمص را به یاد آوردند، با خالد مانند صلح حمص، مصالحه کردند اما خالد نپذیرفت

مگر آن که شهر را ویران کند و این کار را انجام داد (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸: ۲۹۸؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۷۸۰) اما اهل قنسرین بعد از مدتی عهد خود را شکستند. ابو عبیده، سمط بن اسود کندی را سوی آنان فرستاد و او بعد از محاصره، شهر را گشود. (الخوئیلد، بی تا، ۱۰۳) این تنها شهری است که مسلمانان درخواست صلح اهالی آن را به شرط ویرانی شهر پذیرفتند احتمالاً همین اقدام خالد، موجب عهدشکنی اهل قنسرین شد.

قاصرین از دیگر شهرهایی است که در زمان خلافت عمر با صلح گشوده شد. اهل آن به شرط پرداخت جزیه یا ترک سرزمین صلح کردند. بسیاری از ایشان به شهرهای روم و سرزمین الجزیره و قریه جسر منبج کوچ کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸: ۲۹۸؛ حموی، ۱۹۹۵: ۳۲۸) در این صلح و صلح شهر انطاکیه، مضمون جدیدی مبنی بر ترک شهر به جای امان دادن بر جان، مال و کلیسا و... جای مضامین قبلی را گرفته است. طبق قرار صلح انطاکیه، برخی از اهالی آن، شهر را ترک کردند و برخی نیز در آن جا ماندند، ولی بعد، نقض عهد کردند. ابو عبیده، عیاض بن غنم و حیب بن مسلمه را سوی آنان فرستاد و آن دو نفر، شهر را به همان قرار صلح نخستین، گشودند. بعد از فتح انطاکیه، عیاض به سوی قورس رفت. راهبی از عیاض برای اهل سرزمینش درخواست صلح کرد و با او همانند اهل انطاکیه صلح کردند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۱۷). صلح نامه قورس، جایگاه اجتماعی راهب مسیحیان به عنوان نماینده اهالی شهر برای تصمیم گیری بر صلح با مسلمانان را نشان می دهد. مضمون صلح نامه مبنی بر ترک شهر، از قدرت یافتن مسلمانان در آن زمان حکایت می کند؛ چنان که سیطره خود را بر آن مناطق تثبیت کردند.

ضمناً باید این نکته را در نظر داشت که قنسرین، قاصرین و انطاکیه، جزء مناطق مرزی جهان اسلام و روم بودند که در حدود سرزمین دشمن قرار داشتند. (برومند اعلم، ۱۳۸۴: ۳۵) به همین سبب در صلح نامه ها شاهد مضمون ترک شهر هستیم؛ زیرا مسلمانان علاوه بر این که این مناطق را خالی از سکنه رومی می کردند؛ بلکه می توانستند با ساکن کردن مسلمانان در آن شهرها، سرزمین های اسلامی فتح شده را از شورش مجدد و حملات دشمنان حفظ کنند. اهمیت این مناطق از نقض عهد ساکنان و فتح دوباره مسلمانان به خوبی نمایان است.

مسلمانان بعد از اتمام کار قنسرین و شهرهای اطراف آن، به جنگ اهالی جرجومه رفتند، ولی اهالی شهر با آنان نجنگیدند، بلکه امان و صلح خواستند و با مسلمانان صلح

کردند، بر این قرار که یاور و جاسوس و دیدبان‌های مسلمانان در کوهستان لُکام باشند و جزیه ندهند و هرگاه با مسلمانان در جنگ‌ها شرکت کنند و دشمنان آنان را بکشند، اموالی که از کشتگان به دست می‌آورند، از آن خودشان باشد. در این صلح بازرگانان و مزدوران و خدمه، اعم از نبطی و اهالی قریه‌های دیگر هم وارد شدند (آرنولد، ۱۳۸۵: ۵۰؛ حموی، ۱۹۱۰، ج ۲: ۱۲۴) مضمون صلح‌نامه، جغرافیای پیشروی مسلمانان و رابطه آنان با مسیحیان را در منطقه شام نشان می‌دهد؛ زیرا مسیحیان در این صلح یاور مسلمانان با شناخته شده‌اند. نکته قابل توجه دیگر صلح‌نامه، این است که قبیله مسیحی جراحیه، با قبول شرط کمک کردن به مسلمانان در جنگ‌ها، از پرداخت جزیه معاف شدند و سهم خود را از غنایم جنگی گرفتند؛ زیرا جزیه تنها بر مردان سالم در مقابل معافیت از خدمت نظام وضع می‌گردید که در صورت مسلمان بودن می‌بایستی انجام می‌دادند، (آرنولد، ۱۳۸۵: ۴۷)

#### ه) صلح فِلَسْطِین و شهرهای آن

در سال پانزدهم هجری، مسلمانان برای ادامه فتوحات به سوی فِلَسْطِین و شهرهای مجاور آن رفتند. از مهم‌ترین شهرهای آن لُد، رمله، بیت‌المقدس، عمواس، نابلس، سبسطیه، قیساریه، یبنا، بیت جبرین، بحیره میته و سه شهر ساحلی یافا، عسقلان و غزه بود (یعقوبی، ۱۳۴۷ الف: ۱۱۰). سبسطیه و نابلس از شهرهای فِلَسْطِین بودند که با صلح گشوده شدند با این قرار که جان، مال و منازل اهالی در امان باشد و جزیه سرانه و خراج بر اراضی پرداخت گردد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۰۰؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸: ۳۰۵) هم‌چنین با اهالی شهر لد با این مضمون صلح شد که جان، مال، کلیساها و صلیب‌ها، بیماران و سالمندان در امان باشند، کلیسایشان خراب و مسکونی نگردد، از حدود و مردم آن، صلیب‌ها و اموالشان کاسته نشود و این که مانع عبادات آنان نگردند. نیز مردم لد و فلسطینیانی که به آن‌ها پیوسته باشند. جزیه پردازند (طبری، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۷۹۱؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸: ۳۰۵).

با توجه به این که منطقه فِلَسْطِین جزء مناطق مسیحی‌نشین بود، به همین سبب در این صلح‌نامه اهالی شهر لد بیش‌ترین تأکیدشان بر امنیت اعتقادات خودشان در مقابل پرداخت جزیه بود و مسلمانان آنان را در دین آزاد گذاشتند. همین اقدام، بعدها موجب مسلمان شدن آنان شد. عمرو بن عاص بعد از فتح این شهرها، کسی را نزد اربطون فرستاد

که در بیت‌المقدس بود تا شهر را بدون جنگ تخلیه کند. اربطون از این کار امتناع ورزید و دو طرف وارد جنگ شدند. مسلمانان برای گشودن این شهر سخت پافشاری می‌کردند زیرا صرف نظر از ملاحظات سیاسی و لشکری از نظر مذهبی نیز به گشودن بیت‌المقدس علاقه داشتند. ابوعبیده نامه‌ای به مردم بیت‌المقدس فرستاد و آن‌ها را به تسلیم دعوت کرد. مردم شهر از تسلط مسلمانان بر نواحی شام خبر داشتند و می‌دانستند از هیچ جایی کمکی به آن‌ها نخواهد رسید و ناچار باید تسلیم شوند ولی بیم داشتند که اگر تسلیم شوند، مسلمانان شرایط صلح دیگر شهرها را درباره آن‌ها رعایت نکنند و کلیسای بزرگ شهر را از آن‌ها بگیرند (ابراهیم حسن، ۱۳۷۱: ۲۶۱). از این رو می‌خواستند برای اطمینان از برقراری شرایط صلح، با شخص عمر پیمان ببندند. بنابراین پیشوای مردم شهر، به مسلمانان اعلام کرد که حاضر به تسلیم هستند به شرط آن که عمر شخصاً برای امضای پیمان صلح حاضر شود (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۱۶۲) ابوعبیده نامه‌ای نوشت و عمر راضی شد به سوی جاییه سفر کند. او برای مردم بیت‌المقدس پیمانی با این مفاد نوشت:

۱. مردم بیت‌المقدس از لحاظ جان، مال، کلیسا، صلیب‌هایشان و افراد سالم و بیمارشان در امان باشند.

۲. در کلیسای آنان کسی ساکن نشود، آن را ویران نکنند و چیزی از حدود و اموال آن نگاهند.

۳. آنان مجبور به ترک دین و آیین نیستند و به هیچ کس از ایشان زبانی نخواهد رسید و کسی از یهودیان در بیت‌المقدس با آن‌ها مقیم نشود.

و بر مردم بیت‌المقدس است که:

۱. جزیه پردازند، هم‌چنان که اهل دیگر شهرها می‌پردازند.

۲. رومیان و راهزنان را از آن‌جا بیرون کنند. کسانی که می‌روند، جان و مالشان در امان است تا به امانگاه خودشان برسند و هر کس بماند، در امان است و او نیز باید همانند مردم بیت‌المقدس جزیه بدهد. و هر کس از مردم بیت‌المقدس بخواهد با اموال خود همراه رومیان برود و کلیساها و صلیب‌ها را رها کند جان، کلیسا و صلیبش در امان است، تا به امانگاهش برسد.

۳. از زمین‌داران هر کس که بخواهد بماند، باید همانند مردم بیت‌المقدس جزیه دهد و هر کس بخواهد با رومیان برود و هر کس بخواهد سوی زمین خود بازگردد، از آن‌ها چیزی نگیرند تا وقت درو برسد.

در این صلح‌نامه، آزادی عمل بین ماندن و رفتن رومیان و زمین‌داران از شهر، به چشم می‌خورد. ضمناً مباحثی مانند وضع جزیه و خراج، امنیت جانی، مالی و اقتصادی مردم و اجبار نکردن مردم بر ترک دین جلب توجه است. شاهدان این صلح‌نامه خالد بن ولید، عمرو بن عاص، عبدالرحمان بن عوف و معاویه بن ابی‌سفیان بودند و تاریخ فتح بیت‌المقدس در سال‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ هجری ذکر شده است (طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۷۹۰؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۱۶۲؛ ابراهیم حسن، ۱۳۷۱: ۲۶۱).

قیساریه از دیگر شهرهای فلسطین بود که از طریق صلح گشوده شد. اهالی این شهر نیز موظف شدند ضمن فرمان‌برداری، مالی را به عنوان جزیه پردازند (بلادری، ۲۰۴: ۱۳۳۷-۲۰۶؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۹۱۸). از شاخص‌ترین مضمون این صلح‌نامه، لزوم فرمان‌برداری در قبال پرداخت جزیه بود که مضمون مشترک بیش‌تر صلح‌نامه‌ها به شمار می‌آمد. با توجه به پایداری طولانی‌مدت رومیان در شهر قیساریه، آنچه موجبات تسلیم رومیان را فراهم آورد، کمک مردی یهودی به نام یوسف به مسلمانان بود؛ زیرا یهودیان با این کار می‌خواستند انتقام شکنجه و آزار یهودیان را از رومیان بگیرند (زیدان، ۱۳۸۴: ۵۲). مسلمانان نیز در ازای این هم‌کاری، به مرد یهودی و کسان او امان دادند. بدین ترتیب با سامریان ساکن در اردن و فلسطین که همگی یهودی بودند نیز بر پایه پرداخت جزیه سرانه صلح برقرار کردند، زیرا آنان جاسوسان و راهنمایان مسلمانان بودند. ابوعبیده زمین‌های آنان را بدون خراج به خودشان واگذار کرد. هنگامی که یزید بن معاویه بر سر کار آمد، بر زمین‌های آنان خراج نیز قرار داد. او بر زمین‌های سامره در اردن، بر هر مردی دو دینار و نیز بر زمین‌های سامره در فلسطین بر هر مردی پنج دینار جزیه سرانه وضع کرد (زیدان، ۱۳۸۴: ۵۲؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۷۹۲).

مضمون صلح‌نامه‌ها در فلسطین، بیان‌گر آن است که علاوه بر مسیحیان، یهودیان نیز سلطه مسلمانان را بر خود پذیرفتند و با مسلمانان هم‌کاری کردند و در قبال آن از پرداخت جزیه معاف شدند.

### وجوه افتراق و اشتراک مضامین صلح

صلح‌نامه‌های دوره پیامبر (ص)، ابوبکر و عمر با اهالی شام را در سه بخش اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌توان خلاصه کرد:

## الف) مضامین اجتماعی

برخی از این مضامین عبارتند از:

۱. دعوت به اسلام و رعایت اصول آن، امنیت فردی و اجتماعی طرف قرارداد، سفر مسلمانان به آن مناطق و توجه به امر صلح و دوستی؛
۲. مضمون اجتماعی و دینی امنیت کلیسای مناطق صلح‌شده در دوره ابوبکر، به مضامین اجتماعی دوره پیامبر(ص) افزوده شد؛
۳. برخی از مضامین صلح‌نامه‌های دوره عمر با دوره‌های قبلی به ویژه دوره ابوبکر مشترک است؛ مانند تأمین جانی و مالی اهالی در قبال پرداخت جزیه، آزادی دینی و امنیت کلیساها. اما به علت طولانی بودن دوره حکومت عمر و گسترش فتوحات در این دوره، برخی مضامین صلح‌نامه‌های این دوره با دوره‌های پیشین تفاوت داشت؛ از جمله: ساخت مسجد برای مسلمانان، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با اهالی شهر. در برخی شهرها مانند طبریه، مردم آزاد بودند تا در شهرها بمانند یا آن‌جا را ترک کنند. ضمناً در برخی از صلح‌نامه‌های دوره عمر، نقش بزرگان و راهبان را در پذیرش صلح نباید نادیده گرفت که منزلت اجتماعی آنان را نشان می‌داد؛ زیرا می‌توانستند از طرف مردم تصمیم به صلح بگیرند.

## ب) مضامین اقتصادی

برخی از مضامین اقتصادی صلح‌نامه‌ها عبارتند از:

۱. پرداخت جزیه به صورت خمس و زکات، جزیه نقدی و امنیت بازرگانی؛
۲. مضامین صلح‌نامه‌های دوره ابوبکر همان ادامه مضامین دوره پیامبر(ص) بوده با این تفاوت که پرداخت خراج به مضامین اقتصادی این دوره افزوده شد و نوع جزیه با توجه به نیازهای سپاهیان مشخص گردید. کسانی که جزیه می‌پرداختند و بر دین خود باقی می‌ماندند، به عنوان اهل ذمه شناخته می‌شدند.
۳. برخی از مضامین صلح‌نامه‌ها در دوره عمر با دوره ابوبکر مشترک است؛ از جمله: امنیت تجارت و بازرگانی مناطق مفتوحه، تعیین جزیه در برخی مناطق بر مواد غذایی و اخذ خراج از زمین. ولی برخی از مضامین جدید نیز در صلح‌نامه‌های این دوره دیده می‌شود مانند آزادی در تعیین نوع جزیه، مضمون جاسوسی و هم‌کاری اهالی مناطق مفتوحه با مسلمانان در قبال عدم پرداخت جزیه، مانند صلح با مردم جرجومه. نیز مضمون

تخریب برخی از شهرهای مجاور با مرزهای روم به علت موقعیت جغرافیایی در برخی صلح‌نامه‌ها دیده می‌شود؛ مانند شهرهای قَسْرین و قاصرین. البته موضوع تخریب شهر، علاوه بر ابعاد اقتصادی، از لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز پیامدهایی برای مردم آن‌جا داشت؛ زیرا مجبور به مهاجرت و ترک وطن و رفتن به مناطق دیگر و پذیرش حاکمیت جدید می‌شدند.

### ج) مضامین سیاسی

برخی از مضامین سیاسی عبارتند از:

۱. پیامبر(ص) بعد از عقد صلح با مردم هر منطقه، حاکم آن‌جا را بر منطقه حکومتی خود باقی می‌گذاشتند مانند اکیدر پادشاه دومه‌الجنبل؛ درحالی که در دوره جانشینان پیامبر(ص)، خلفا والیان مناطق مفتوحه را تغییر می‌دادند و والی جدید مسلمان برای آن شهر انتخاب می‌کردند. از آن‌جایی که پیامبر(ص) صلح‌جو بودند، وقتی اهالی مناطقی از شام درخواست صلح می‌کردند با آن موافقت می‌نمودند.
۲. در دوره عمر، تأمین امنیت جانی والی مسلمان جزء مفاد صلح‌نامه بود. نیز در برخی از صلح‌نامه‌ها مانند صلح‌نامه بیت‌المقدس، مردم خواستار حضور شخص عمر در برقراری صلح بودند که در مقایسه با دوره‌های پیشین امری متمایز بود.
۳. وجه مشترکی که در همه مضامین صلح‌نامه‌های سه دوره با اهالی شام دیده می‌شود، تأمین امنیت جانی، مالی و مذهبی از سوی مسلمانان و پرداخت جزیه از سوی اهالی شام است. از وجه افتراق موجود در میان مضامین صلح‌نامه، می‌توان به ترک شهر، لزوم فرمان‌برداری، افزوده شدن خراج، جاسوسی و هم‌کاری با مسلمانان اشاره کرد.

### نتیجه

این پژوهش به بررسی مضامین صلح‌نامه‌های میان مسلمانان با اهالی شام پرداخت و مشخص گردید که مسلمانان از زمان پیامبر(ص) به این منطقه توجه داشتند. آنان در این دوره، چندین صلح‌نامه با اهالی شام منعقد کردند که هدف اصلی، دعوت به اسلام و گسترش آن در این مناطق بود. بعد از سپری شدن دوره پیامبر(ص)، فتوحات در دوره ابوبکر از قسمت صحرائی شام شروع شد و چون این قسمت‌ها مسکن اعراب بود، اهالی شهرها چندان مقاومتی از خود نشان ندادند و هنگام صلح، امنیت جانی، مالی و اعتقادی



خود را خواستار شدند. در دوره عمر نیز فتوحات ادامه یافت و فتح شهرهای شام کامل گشت و مانند دوره‌های قبل، ضمن توجه به امنیت مالی و جانی دو طرف، در قبال بعد اقتصادی قرارداد یعنی پرداخت جزیه، به تدریج تلاش شد تنها به بحث تسلط سیاسی و نظامی در مناطق فتح شده اکتفا نکنند. از لحاظ اعتقادی، در برخی موارد با ساخت مساجد و یا دستور ترک ساکنان شهرهای مرزی و اسکان آنان با مسلمانان، زمینه‌ساز گسترش اسلام شدند.

## کتابنامه

۱. آرنولد، سر توماس (۱۳۸۵). *تاریخ گسترش اسلام*، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲. ابراهیم حسن، حسن (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، چاپخانه علمی.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم (۱۳۷۱). *تاریخ کامل*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ج ۷ و ۸.
۴. ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد بن محمد، (۱۳۷۱). *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۳). *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۱.
۶. ابن سعد بن منیع الهاشمی البصری، محمد (۱۴۰۸). *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱.
۷. ابن هشام الحمیری المعافری، عبدالملک (۱۴۰۸). *زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام*، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران. انتشارات کتابچی، ج ۲.
۸. برومند اعلم، عباس (۱۳۳۷). "ثغور شامی و عواصم"، فصلنامه *تاریخ اسلام*، شماره مسلسل ۲۱، بهار، ص ۳۵-۶۶.
۹. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷). *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.
۱۰. جرجی، زیدان، (۱۳۸۴). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۱. حموی، شهابالدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت، دارصادرالثانیه، ج ۱ و ۲.
۱۲. حورانی، آلبرت (۱۳۸۴). *تاریخ مردمان عرب*، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
۱۳. الخوری، عیسی اسعد (۱۹۴۰). *تاریخ حمص*، قم، مکتب المصطفی، ج ۱.
۱۴. الخویلد، علی جمعه، "من تاریخ قنسرین (۱۴۱۵)". *نشریه علوم انسانی*، التراث العربی، العدد ۵۸، شعبان، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۱۵. الربحاوی، عبدالقادر (۱۹۶۸). "مدینه دِمَشْق (۲) تاریخ دِمَشْق السیاسی،" نشریه تاریخ الحولیات الاثریه العربیه السوریه، مجلد الثامن عشر، الجزان ۱-۲، ص ۳۲-۱۰.
۱۶. صدری نیا، باقر و سالم عزیز، خالد (۱۳۸۰). تاریخ عرب قبل از اسلام، تلخیص و نگارش، سپنتا سبحانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ج ۴ و ۵.
۱۸. واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹). مغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج ۳.
۱۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب (۱۳۴۷). البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، بیروت، ج ۲.